

فرعون زن مصری

اما شاید یکی از شاهکارهای کشفهای باستانی در سال گذشته را باید به حساب باستان‌شناسانی گذاشت که پرده‌از سر زندگی تنه‌افرعون زن مصر باستان برداشتند. معما در عین پیچیدگی بسیار ساده بود. کافی بود

یک متخصص ژنتیک قسمتی از دندان شکسته شده یک مومیایی را که در یکی از اهرام پیدا شده بود را مورد بررسی قرار دهد تا این موضوع کلیدی شود برای تشخیص هویت فرعون «هتشیپس».

«هتشیپس» در واقع تنها زنی بود که در مصر باستان به تنهایی نقش ملکه و پادشاه را بازی می‌کرد و نزدیک به ۳۵۰۰ سال پیشتر چندین سال به حکمرانی در این منطقه پرداخت.

در کتاب فراغه مصر آمده است «هتشیپس» در زمان حکومت یک دامن مردانه کوتاه به تن داشت که دم شیری از آن آویزان بود و حتی یک ریش مصنوعی طلایی هم گذاشته بود. هنگام بالا رفتن از تخت، او خود را شاه نامید و نخستین فرعون زنی شد که تا به حال به شکل رسمی بر مصر حکومت می‌کرد. کاتبانی که درست نمی‌دانستند او را چه خطاب کنند، معمولاً حتشیپسوت را «خانم اعلیحضرت» می‌خواندند. طی دوره بیست و یک ساله حکومت، او توجهش را بیش از جنگ و نبرد به بازرگانی معطوف کرد. حتشیپسوت بخشی از ثروتش را برای شروع یک برنامه ساختمانی مصرف کرد. یکی از زیبا ترین معماری‌هایی که حتشیپسوت هزینه آن را تامین می‌کرد، معبد سوگورایش بود که از سنگ اهنک سفید بنا شده بود و «دیر البحری» نامیده می‌شد و بین رود نیل تا غرب طیوه قرار داشت. آرامگاه حتشیپسوت نه یک قسمت از این بنا بود و نه به شکل فراغه قدیمی تر به شکل هرم. بلکه بدن او همانند سایر فراغه جدید در «دره پادشاهان» valley of the kings در دره ای بیابانی در غرب معبدش به خاک سپرده شد. در آن جا، کارگران درون تخته سنگ‌های خارا، تونل‌هایی را می‌کنند تا محلی مخفی برای پنهان کردن پیکر فراغه از دست سارقان آرامگاه به وجود بیاید. فعالیت‌های حتشیپسوت مصر را مقتدرتر و شکوهمندتر کرد.

پدر یکی از درباریان قدیمی او به نام اینی، حکومت او را چنین توصیف کرده است: حتشیپسوت موضوعات دو سرزمین (مصر) را بر اساس اندیشه‌هایش حل و فصل می‌کرد. مصر در برابر او یکی از اعقاب عالی خداوند و رسول او بود، به حالت تسلیم کار می‌کرد... خانم حاکم که برنامه‌هایش عالی بود، هنگام سخن گفتن هر دو منطقه (مصر علیا و مصر سفلی) را خشوندمی‌کرد.

ده اتفاق برتر باستان‌شناسی جهان در سال گذشته

تاریخ دوباره نوشته می‌شود؟

هر روزه اتفاقاتی مختلفی در حوزه باستان‌شناسی رخ می‌دهد که باعث می‌شود اسرار دنیای باستان هر یک پس از دیگری افشا شود. باستان‌شناسی قبل از این که یک علم کاملاً دانشگاهی به شمار رود یک هنر برای پیوند زدن یافته‌ها با شواهد تاریخی است. هنری که با پیوند زدن زنجیرهای کوچکی که در دنیای باستان‌شناسی وجود دارد باعث می‌شود تا پازل دیگری بر گمشده‌های دنیای باستان اضافه شود.

از دیگر سو شاید مهمترین اصل در علم باستان‌شناسی صوری و مطالعات زیاد باستان‌شناسان باشد که باعث می‌شود این علم نسبت به دیگر علوم رنگ و رویی دیگر به خود بگیرد.

اصولاً در حوزه باستان‌شناسی یا مطالعات دامنه دار است و طولانی که بر روی یک محوطه تاریخی به طور متناوب و در طول مدت چند سال صورت می‌گیرد و یا آن که بر اثر یک اتفاق یا کاوشی یکباره قطعه دیگری از این پازل برای بیان حقایق بیشتری از تاریخ رو می‌شود.

اما در میان اتفاقاتی که در حوزه باستان‌شناسی رخ می‌دهد برخی از این اتفاقات به خود شکل دیگری می‌گیرند و با توجه به نوع کشف و برد جهانی و مسایل دیگری که نشان از چگونگی زندگی انسانی در دوران باستان دارد از همه بیشتر جلوه می‌کند...

این اتفاقات که در دنیای باستان‌شناسی تنها هر از چند گاهی رخ می‌دهد و شاید در برخی موارد سال‌ها صبر و حوصله را می‌طلبد در سال گذشته میلادی دره مورد باعث شد تا شگفتی باستان‌شناسان و علاقه مندان به علم باستان‌شناسی را برانگیزد.

این ده مورد اکتشاف که از ابتدای سال گذشته میلادی تا انتهای آن مورد بررسی قرار گرفت تا آن‌جا پیشرفت رفته است، که در برخی از این موارد، روند مطالعاتی دانشمندان این حوزه را به سمت و سویی جدید تر رهنمون ساخت. در این مطلب به اختصار به ده کاوش برتر باستان‌شناسان سراسر جهان اشاره شده است.

مردان نمکی از نوع ایرانی

کشف آخرین مرد نمکی در معدن چهر آباد زنجان یکی از مهمترین موضوعات علمی حوزه باستان‌شناسی جهان در سال گذشته به شمار رفت. اوایل سال گذشته هشت نمونه از پارچه‌هایی که در لباس مردان نمکی استفاده شده و همچنین پافت‌های نرم بدن آن‌ها برای انجام آزمایش‌هایی که قدمت اجساد را مشخص کند به دانشگاه آکسفورد فرستاده شده که در پایان مشخص شد که مرد نمکی شماره دو تقریباً همزمان با مرد شماره یک در یک هزار و ۸۰۰ سال پیش یعنی

اواخر دوره اشکانی در معدن مدفون شده است.

بر خلاف تصویری که تاکنون وجود داشت نتیجه آزمایش روی مردان شماره سه و چهار نیز نشان داد که آن‌ها در حدود ۵۰۰ سال پیش از مردان شماره یک و دو یعنی در حدود ۲۳۰۰ سال پیش و نزدیک به دوره هخامنشی در اثر ریزش معدن مرده‌اند.

نتیجه آزمایشات حاکی از آن بود که معدن چهر آباد نخستین بار در حدود ۲۵۰۰ سال پیش مورد بهره برداری قرار گرفته و ۲۳۰۰ سال پیش برای نخستین بار ریزش کرده است.

بر اساس عقیده باستان‌شناسان مردان نمکی شماره سه، چهار و پنج در نخستین ریزش معدن کشته شدند و وقتی حدود ۵۰۰ سال بعد دوباره معدن به بهره‌برداری می‌رسد، یک بار دیگر ریزش کرده و مردان شماره یک و دو را زیر آوار مدفون می‌کند. پیدا شدن آخرین مرد نمکی نشان داد که این مومیایی‌های طبیعی یکی از معدود پدیده‌های باستانی هستند که به واسطه قرار گرفتن در نمک حاوی اطلاعات مهمی در این زمینه هستند.



اسکلت های عشاق



اسکلت های عشاق یا اسکلت های ولنتاین دیگر کشف مهم باستان شناسان در سال گذشته بود. این دو اسکلت عصر نوسنگی که در سیزدهم فوریه سال گذشته شناخته شدند اسکلت مرد و زنی بودند که سالها بی صدا در کنار هم دفن شده بودند. باستان شناسان پس از مطالعه روی دندان های این اسکلت ها که کاملاً دست نخورده باقی مانده بودند مشخص شد که، این عشاق در جوانی و حدود ۵ تا ۶ هزار سال پیش در این گور دفن شده اند. کشف این اسکلت ها از آنجا در نوع خود منحصر به فرد به شمار رفت چرا که که کشف تدفین دوتایی مربوط به عصر نوسنگی تاکنون در هیچ گزارش باستان شناسی دیده نشده است. محل دفن این اسکلت ها هنگام عملیات ساخت و ساز یک کارخانه در حومه مانتوآ کشف شد. در کنار اسکلت های این زوج، باستان شناسان ابزار سنگی نظیر پیکان و چاقو هم یافتند.

کشف این اسکلت

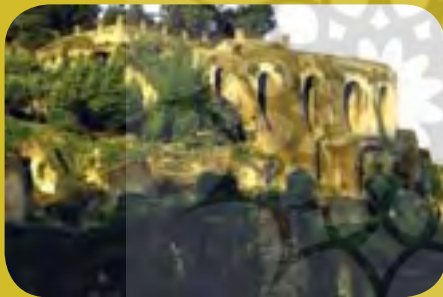
های پر رمز و راز که در ورونای ایتالیا پیدا شدند باعث شد تا بسیاری را بر آن دارد که به این ۲ اسکلت لقب اسکلت های رومئو و ژولیت را بدهند. این موضوع در حالی بود که حتی بسیاری پا را فراتر از این موضوع گذاشتند و عقیده داشتند این اسکلت ها، اصلاً متعلق به این دو معشوقه تاریخی بوده است که در ورونای ایتالیا پیدا شدند. دلیل ایشان برای این امر آن بود که این اسکلت ها دقیقاً در جنوب مانتوآ واقع در ۲۵ مایلی جنوب ورونای جایی که شکسپیر داستان رومئو و ژولیت خود را در آنجا خلق کرد، کشف شده است.

اولین ساکنان روم باستان

شاید یکی دیگر از کشفیات باستان شناسان که در ردیف ۱۰ کشف بزرگ باستانی در سال گذشته قرار می گیرد، کشف غارهایی است که اولین بنیان گزاران روم باستان برای سکونت از این غارها استفاده می کردند.

کاوشگران در بیست و ششم ژانویه سال گذشته به طور کاملاً اتفاقی به سازه هایی برخورد کردند که به عقیده آنها اولین ساکنان رم در آنجا سکنی گزیدند. بر اساس تاریخ در بین قرون هفدهم و هجدهم قبل از میلاد مهاجرانی از آرکادی ها از آتکین به سمت جنوب ایتالیا آمدند. این گروه اولین ساکنان ایتالیا بودند. نام «ایتالوی» بعد از اینکه رومی ها این منطقه را فتح کردند، متداول شد.

بر طبق افسانه ها یک زن گرگ نما از ساکنان اولیه و بنیانگذاران این رم نگهداری می کرده است که این زن افسانه ای در این منطقه زندگی کرده و در انتها نیز در آنجا مرده و به خاک سپرده شده است.



اهرام باستانی ژاپن

کشف اهرام باستانی زیر آب در ژاپن نیز یکی از کشفیات مهم باستان شناسی در سال گذشته بود که در ۱۹ سپتامبر به وقوع پیوست. این کشف که یکی از مهمترین کشف های چند سال اخیر در حوزه باستان شناسی تاریخی ژاپن به شمار می رود آنقدر برای دانشمندان این کشور مهم جلوه کرد که ایشان از این شهر به عنوان آتلانتیس ژاپنی یاد کردند.

آتلانتیس نام قاره ای است که بنا بر افسانه ها چندین هزار سال قبل بر اثر زلزله یا جنگ به زیر آب فرو رفته است.

مهمترین سند معتبر در مورد آتلانتیس نوشته های فیلسوف معروف یونانی افلاطون است که ۳۰۰۰ سال پیش اطلاعات مکتوب و جالبی را در مورد آتلانتیس از خود به جا گذاشته است. به گفته افلاطون این قاره مهد تمدنی بسیار عالی و پیشرفته بوده که نه تنها در زمینه تکنولوژی بلکه

در تمام شاخه های علوم و هنر در حد عالی پیشرفته بوده است. باستان شناسان ژاپنی از این سازه های زیر آب بنام «یاناگونی جیما» یاد می کنند که در ترجمه معادل آتلانتیس ژاپنی خواهد بود. دانشمندان ژاپنی معتقدند این شهر زیر آب ژاپنی نیز همانند آتلانتیس ۲۰۰۰ سال پیشتر بر اثر زلزله به زیر آب رفته است.



گور دستجمعی طاعون زده

یکی دیگر از کشفیات باستانی که باعث شد در سال گذشته نظر بسیاری را به خویش معطوف دارد، کشف یک گور دست جمعی از طاعون زده هایی است در جزیره کوچک قرنطینه شدگان در نزدیکی ونیز رخ داد. این کشف که در ۲۹ آگوست سال گذشته رخ داد باعث شد بسیاری از محققان و کاوشگران را به این منطقه باستانی بکشاند تا ایشان از نزدیک به باقیمانده های حادثه بزرگی که طاعون در اروپا به وجود آورد و به واسطه آن بسیاری از اطلاعات این بخش از تاریخ نیز دفن شد دوباره بازیابی نمایند.



در این گور دستجمعی بیش از ۱۵۰۰ اسکلت پیدا شد که همگی متعلق به بیمارانی است که نوع خاصی از طاعون را به نام طاعون خیارکی که همگی در جزیره ای کوچک در نزدیکی ونیز دفن شده بودند.

طاعون سیاه یا مرگ سیاه یک اپیدمی طاعون خیارکی است که کل اروپا را در سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ میلادی دربر گرفت. تعداد مرگومیر از بیماری طاعون در این دوره کاملاً مشخص نیست، اما برآورد آن حدود یک چهارم تا یک سوم جمعیت اروپا، یا ۲۵ میلیون نفر طی این سه سال است. در اواخر سال ۱۳۴۷ کشتی هایی که از آسیای مرکزی می آمدند، بیماری را در جنوا و

مارسی شیوع دادند. در تابستان سال ۱۳۴۸ طاعون در ونیز نیز شایع شد و در عرض یک سال تمام سواحل مدیترانه را فراگرفت. پس از آن، طاعون به سرعت به سمت شمال اروپا حرکت کرد و جمعیت این نواحی را، که پس از قحطی های پی در پی، اپیدمی های مختلف به علت سردی هوا و جنگ های طولانی به شدت در برابر هر سانحه ای ضعیف شده بودند، درهم شکست. باستان شناسان معتقدند با کشف این گور دست جمعی بسیاری از حلقه های فراموش شده این بخش از تاریخ باستان اروپا را که به واسطه شیوع این بیماری در بسیاری موارد پنهان مانده است را روشن خواهند کرد.

کشف قبر مسیح

همه چیز از یک گروه فیلم برداری شروع می شود که به دنبال قبر مسیح در بیت المقدس می گردد. تا آن که این گروه پس از تلاش فراوان قبری را رونمایی می کنند که به گفته ایشان این قبر جسد مسیح ناصری را در دل خود پنهان داشته است.

این گروه فیلم برداری حتی پا را فراتر از این گذاشتند و در ادامه ساخت این فیلم مستند از کشف قبر همسر مسیح و پسر او در نزدیکی بیت المقدس خبر دادند.

این فیلم مستند جنجالی گرچه در دنیای خبر و رسانه ها برد فراوانی پیدا کرد اما هنوز

در میان بسیاری از باستان شناسان جهانی از درجه یک کشف علمی ساقط است...

آنها معتقدند که شواهد و مدارکی که این گروه فیلم سازی برای این امر رو کرده است چندان سندیت علمی نداشته و این قبر می تواند متعلق به هر کس دیگری از جمله مسیح ناصری نیز باشد.

مومیای یخی دختر نوجوان

شاید یکی از اعجاب بر انگیزترین کشفیات دنیای باستان شناسی در سال گذشته نمایش مومیای یخی از یکی از مردمان قوم اینکا بود که یازدهم سپتامبر سال گذشته صورت گرفت.

این مومیای یخ زده در واقع دختر نوجوانی بود که نزدیک به ۵۰۰ سال قبل مرده بود و جسدش به طور کامل سالم مانده بود.

این مومیای در واقع در سال ۱۹۹۵ توسط کوهنوردان پرویی پیدا شده بود و به مومیای آیس میدن نیز مشهور است.

برخی باستان شناسان معتقدند آیس میدن پرویی در واقع یک دختر ۱۴-۱۲ ساله ای است که در حدود ۵۰۰ سال قبل توسط قدیسن اینکا برای خشنودی خدایانشان قربانی شد. این مومیای پس از سال ها برای اولین بار در آرژانتین به نمایش در آمد.



خانه های مردمان استون هنج

از مهمترین کشفیات باستانی در سال گذشته را می توان کشف بقایای روستای ۶۰۰ ساله سازندگان استون هنج به نام محوطه تاریخی دورینگتن والز دانست که به عقیده باستان شناسان به احتمال فراوان یک روستای ابتدایی برای سکونت مردمان باستان بوده است.

ساختار زیربنایی این محوطه تاریخی نشان از وجود نشانه های نخستین زندگی روستایی مربوط به دوران پیش از تاریخ است که در نزدیکی استون هنج پیدا شده است.

کارشناسان معتقدند احتمال دارد که این محوطه تاریخی در واقع مقبره هایی باستانی باشد که در نزدیکی استون هنج برای انجام مراسم تشریفات و آیین های مذهبی از آن استفاده می شده است. در این کاوش باستانی ۸ خانه در این منطقه از زیر خاک خارج شد که پس از آن باستان شناسان احتمال دادند که ۲۵ خانه دیگر نیز در این منطقه وجود داشته باشد.

ابزار سنگی، استخوان حیوانات، پیکان و لوازم دیگر از این روستا به دست آمد که نشان از قدمت تاریخی این روستا دارد.

کشف بقایای خوکی که در هنگام کشته شدن احتمالا نه ماهه بوده است، نشان دهنده برگزاری جشنواره در نیمه زمستان در این منطقه است.

از نکات دیگری که در مورد این

موزه تاریخی وجود دارد و بر

اهمیت آن می افزاید، این است که استون هنج

به جهت طلوع خورشید در اواسط تابستان و

غروب خورشید در اواسط زمستان قرار گرفته

است و این درحالی است که دایره چوبی

سایت دورینگتن والز به جهت طلوع خورشید

در اواسط زمستان و غروب خورشید در

اواسط تابستان قرار دارد.

بر اساس رای باستان شناسان دو خانه از

خانه هایی که در این محوطه تاریخی کشف شده اند جدا از بقیه قرار داشته و این احتمال وجود دارد که

این دو خانه سکونتگاه سران قبیله یا محل انجام مراسم مذهبی بوده است.



مقبره عجیب مصری

اما دیگر اکتشاف عجیب دنیای باستان شناسی که جنجال فراوانی را در میان محافل علمی جهان به پا کرد کشف مقبره ای غیر معمولی از ندیم یکی از فراعنه در یکی از اهرام مصر بود.

این اکتشاف که در ۲۱ می ۲۰۰۷ روی داد بسیاری از باستان شناسان را شگفت زده کرد. باستان شناسان پس از وارد شدن به این مقبره با تندیس های کوچکی از انسان ها روبرو شدند که هر یک به کاری مشغول بودند.



تندیس مشغول درست کردن نان بود و تندیس دیگر کارگرانی را نشان می داد که در حال حمل بار بودند. کشف این تندیس های کوچک در این مقبره اتفاق نامعمولی را روایت می کرد که در فرهنگ مصریان باستان در چهار هزار سال پیش وجود داشته است.

فراعنه مصر اعتقادات مختلفی داشتند که اعتقاد زندگی پس از مرگ شاید مهمترین این رویاها به شمار می رفت و اهرام در واقع قصرهایی برای این زندگی دوباره آن ها به شمار می آمد که با اتاق های متعدد و

لوازم مجلل آماده شده و برای فرعون خوردنی و آشامیدنی و مال و ثروت کافی در آن قرار داده می شد.

اما آن که باستان شناسان در یکی

از این اهرام با مقبره ندیمی روبرو

شوند که زمانی برای ایشان به خدمت

مشغول بوده است نکته ای بود که در

رفتارهای مصریان باستان تاکنون به

چشم نخورده است.